

نقش کسب و کارهای کوچک و متوسط در کاهش مهاجرت نیروی کار

مطالعه موردی افغانستان

Small and Medium Enterprises and Their Role in Reducing Labor Migration

ذبیح الله وهاب^۱، ابوبکر مدقق^۲ و هدایت الله قاضی^۳

DOI: 10.64104/v10.Issue17.n16.2025

چکیده

مهاجرت یکی از پدیده‌های اجتماعی مهم در جوامع انسانی محسوب می‌شود که عوامل مختلفی در شکل‌گیری و گسترش آن نقش دارند. از میان این عوامل، بیکاری و مشکلات اقتصادی از مهم‌ترین دلایل مهاجرت در جوامع در حال توسعه به شمار می‌روند. در این راستا، تحقیق حاضر با هدف بررسی رابطه میان وضعیت کار و بار، به‌ویژه کسب و کارهای کوچک و متوسط، با میزان مهاجرت نیروی کار صورت گرفته است. این بررسی در پی آن است تا روشن سازد که چگونه فقدان فرصت‌های شغلی در حوزه کسب و کارهای کوچک و متوسط در افغانستان، به مهاجرت افراد به بیرون از کشور، به‌ویژه قشر جوان و نیروی کار، چه قدر تأثیر داشته است.

روش تحقیق این مقاله، توصیفی-تحلیلی و آماری بوده و برای گردآوری اطلاعات و معلومات از پرسشنامه‌ای استفاده شده است که توسط نویسنده تنظیم گردیده است، جامعه آماری این تحقیق عمدتاً شامل دو گروه از افراد است: گروه نخست، افرادی هستند که به دلیل بیکاری و نبود فرصت‌های شغلی مناسب، ناگزیر به مهاجرت شده‌اند؛ و گروه دوم، کسانی را در بر می‌گیرد که به واسطه داشتن کسب و کارهای کوچک و متوسط در داخل کشور، تمایل کمتری به مهاجرت از خود نشان داده‌اند. انتخاب این دو گروه با هدف مقایسه تأثیر وضعیت اشتغال بر گرایش به مهاجرت صورت گرفته است. همچنین برای

^۱. استاد دیپارتمنت اداره تجارت، پوهنځی اقتصاد پوهنتون سلام: شماره تماس: 0708793717، ایمیل: zabihullah.w123@gmail.com

^۲. استاد دیپارتمنت حقوق پوهنځی حقوق و علوم سیاسي پوهنتون سلام: 0789701386 a.mudaqiq21@gmail.com

^۳. استاد دیپارتمنت اداره تجارت، پوهنځی اقتصاد پوهنتون سلام.

تحلیل دقیق تر معلومات، از منابع کتابخانه‌ای به عنوان پشتوانه نظری بهره گرفته شده، تجزیه و تحلیل معلومات جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS و قابلیت های Google Form انجام پذیرفته است. این روش امکان تحلیل آماری دقیق و نیز درک بهتری از متغیرهای موجود را فراهم کرده است.

یافته های تحقیق نشان می دهد که میان نرخ بیکاری و کمبود فرصت های شغلی در بخش کسب و کارهای کوچک و متوسط با افزایش مهاجرت نیروی کار، رابطه ای مستقیم و معنادار وجود دارد. این نتایج گویای آن است که نبود زمینه های اشتغال پایدار، افراد را به ترک محل زندگی و جستجوی فرصت های بهتر در دیگر کشورها یا مناطق سوق می دهد. بر این اساس، توسعه و حمایت هدفمند از کسب و کارهای کوچک و متوسط می تواند یکی از راهکارهای مؤثر برای کاهش نرخ مهاجرت و حفظ سرمایه انسانی در کشور تلقی شود.

واژگان کلیدی: کسب و کارهای کوچک و متوسط، مهاجرت نیروی کار، بیکاری و فرصت های شغلی

مقدمه

مهاجرت یکی از مهم ترین پدیده های اجتماعی، اقتصادی و انسانی در جوامع معاصر است که دلایل و پیامدهای چند بعدی دارد. در کشورهای در حال توسعه به ویژه افغانستان، مهاجرت نیروی کار در سال های اخیر به یکی از جدی ترین چالش ها مبدل شده است، در حالی که رفتن نیروی کار از کشور خود نوعی از فرار مغزها تلقی شده است^۴ که نه تنها باعث خروج گسترده نیروی انسانی کارآمد از کشور می شود به گونه که آمار سازمان ملل در سال ۲۰۱۷م حدود ۲۵۸ میلیون نفر کشور زادگاه خود را ترک کرده و در یک کشور دیگر زندگی میکنند^۵، بلکه پیامدهای منفی متعددی در حوزه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به جا می گذارد. بخش عمده ای از این مهاجرت ها ناشی از بیکاری، فقر، نبود فرصت های شغلی مناسب و ضعف در ساختارهای اقتصادی کشور است. در چنین شرایطی، یافتن راهکارهایی جهت کاهش انگیزه مهاجرت و حفظ سرمایه انسانی به یک ضرورت مبرم تبدیل شده است.

یکی از راهکارهای پیشنهادی در بسیاری از کشورها، توسعه و حمایت از کسب و کارهای کوچک و متوسط (SMEs)^۶ به عنوان موتور محرک اشتغال زایی و رشد اقتصادی است، تعریف کار و بار های کوچک و متوسط در کشور های مختلف متفاوت میباشد و معمولاً کار و بار های که کمتر از ۵۰ تن تشکیل داشته باشد کار و بار های کوچک و کمتر از ۱۰۰ تن تشکیل داشته باشد کار و بار های متوسط گفته میشود^۷. این نوع کار و بارها با ظرفیت بالای خود در ایجاد فرصت های شغلی پایدار، به ویژه در جوامع با ساختار اقتصادی محدود و منابع ناکافی، می توانند نقشی مؤثر در تثبیت نیروی کار و کاهش میل به

۴. طیبی، سید کمیل، عماد زاده، مصطفی، رستمی حصوری، هاجر، اثر فرار مغزها بر رشد اقتصادی کشورها در حال توسعه، فصلنامه علمی پژوهشی، پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی، سال اول، شماره دوم، بهار ۱۳۹۰ ص ۷۲.

۵. عیسی زاده، سعید، عباسیان، عزت الله، نوری، احمد ضیا، تاثیر مهاجرت بر آموزش و مهارت های نیروی کار افغانستان: مطالعه موردی مهاجران بازگشته از ایران، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصادی ایران/ سال بیست و پنجم/ شماره ۸۵ / زمستان ۱۳۹۹ / مقاله پژوهشی/ صفحات ۶۵ تا ۹۰.

۶. Small and Medium Enterprises

۷. گلرد، پروانه، پرتو افکنان مصطفی، نقش دولت در حمایت از کسب و کارهای کوچک و متوسط، فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه گذاری سال نهم/ شماره سی و پنجم/ پائیز ۱۳۹۹ ه.ش. ص ۲۸۱.

مهاجرت ایفا کنند. در افغانستان نیز با توجه به شرایط خاص اجتماعی و اقتصادی، کسب وکارهای کوچک و متوسط می‌توانند بستری مناسب برای اشتغال محلی، افزایش درآمد خانواده‌ها، و کاهش وابستگی به مهاجرت فراهم سازند. در افغانستان، با وجود ظرفیت بالقوه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، عوامل متعددی موجب محدودیت در رشد و گسترش این نوع کار و بارها شده‌اند. از جمله مهم‌ترین این عوامل می‌توان به نبود دسترسی آسان به منابع مالی و نبود سیستم‌های فعال بانکی، نبود بازارهای مناسب، ضعف در زیرساخت‌های اقتصادی و فنی، نبود حمایت‌های حقوقی و قانونی کافی، و عدم آموزش و مهارت کافی در میان جوانان اشاره کرد. این چالش‌ها باعث شده‌اند که ظرفیت این نوع کسب وکارها برای اشتغال‌زایی و جلوگیری از مهاجرت به‌طور کامل فعال نگردد و نیاز به مداخلات هدفمند و سیاست‌گذاری‌های حمایتی جدی در این زمینه احساس شود.

تحقیق حاضر بر آن است تا با تمرکز بر نقش کار و بارهای کوچک و متوسط، رابطه میان فرصت‌های شغلی در این حوزه و میزان تمایل به مهاجرت در میان نیروی کار افغانستان را بررسی نماید. در این راستا، تلاش شده است تا با مطالعه میدانی بر روی دو گروه مشخص (که در فوق ذکر گردید)، تفاوت‌ها و عوامل کلیدی مرتبط با مهاجرت شناسایی و تحلیل شود. این بررسی نه تنها شکاف موجود در موضوع را پوشش می‌دهد، بلکه می‌تواند مبنایی برای پیشنهاد راه‌حل‌های عملی و سیاست‌گذاری هدفمند در این حوزه فراهم آورد.

اهمیت این تحقیق در آن است که با ارائه تحلیل‌های آماری دقیق و بهره‌گیری از داده‌های واقعی، به فهم عمیق‌تری از پیوند بین بیکاری، مهاجرت و نقش کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در کنترل این پدیده دست یابد. همچنین، یافته‌های این مطالعه می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای تدوین برنامه‌های توسعه‌ای در سطح ملی و محلی مورد استفاده قرار گیرد تا از طریق توانمندسازی اقتصادی، میزان مهاجرت کاهش یابد و شرایط برای تثبیت نیروی کار در داخل کشور فراهم گردد.

پیشینه تحقیق

در زمینه پیشینه تحقیق عنوان هذا باید گفت که دقیقاً تحت این عنوان و در افغانستان کدام تحقیق خاصی صورت نگرفته است، اما با آن هم در ذیل به بعضی از تحقیقات که به شکل شبیه و مشابه در زمینه انجام شده است می‌پردازیم که خلاصه آن قرار ذیل است.

1. مقاله‌ای با عنوان (عوامل مؤثر بر توسعه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در افغانستان) توسط روح‌الله ایمان، محصل رشته مدیریت تجارت، تدوین گردیده و در تاریخ ۲۳ ثور سال ۱۴۰۳ ه.ش از سوی مؤسسه مطالعات اقتصادی و حقوقی افغانستان به نشر رسیده است. تمرکز اصلی این مقاله بر شناسایی و تحلیل عواملی است که بر رشد و توسعه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در افغانستان تأثیرگذار هستند. با وجود اینکه این پژوهش از نظر محتوایی به یکی از حوزه‌های مهم اقتصادی کشور می‌پردازد، اما جامعه آماری آن صرفاً به دو ولایت سرپل و جوزجان محدود شده است و لذا نمی‌توان نتایج آن را به‌طور جامع به سطح ملی تعمیم داد. از سوی دیگر، یکی از نقاط ضعف این مقاله آن است که به موضوع مهم و مرتبطی چون مهاجرت نیروی کار هیچ‌گونه توجهی نشده و پیوند میان وضعیت کسب‌وکارهای کوچک و متوسط با پدیده مهاجرت بررسی نگردیده است؛ در حالی که چنین ارتباطی می‌تواند زمینه‌ساز تحلیل‌های جامع‌تری در مورد وضعیت اقتصادی و اجتماعی افغانستان باشد.

2. مقاله‌ای با عنوان (نقش دولت در حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط) توسط پروانه گلرد و مصطفی پرتو افکنان نگاشته شده و در فصلنامه علمی-پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری، سال نهم، شماره سی‌وپنجم، در فصل خزان سال ۱۳۹۹ ه.ش به چاپ رسیده است. تمرکز اصلی این مقاله بر بررسی وظایف و مسئولیت‌های دولت در قبال کسب‌وکارهای کوچک و متوسط بوده و به‌صورت اجمالی به سه مؤلفه سرمایه‌گذاری، حمایت و زمینه‌سازی اشاره شده است. با وجود اهمیت نسبی موضوع، این مقاله از یک‌سو بسیار کلی و گسترده به مسئله پرداخته و از سوی دیگر، جامعه آماری آن کشور ایران بوده است که از نظر جغرافیایی و ساختاری با موضوع تحقیق حاضر، که به‌طور خاص به شرایط افغانستان می‌پردازد، هم‌خوانی چندانی ندارد.

3. مقاله‌ای با (تأثیر کارآفرینی بر مهاجرت نخبگان در کشورهای منتخب منطقه منا) به بررسی رابطه بین کارآفرینی و مهاجرت نیروهای متخصص در بازه زمانی ۲۰۱۶-۲۰۰۹ می‌پردازد. نویسندگان با استفاده از روش پانل دیتا و داده‌های مربوط به ۹ کشور عضو منطقه منا (شامل ایران، مصر، و عربستان سعودی و....)، تأثیر متغیرهای کلیدی مانند کارآفرینی، جهانی شدن، شکاف رفاهی، و ثبات سیاسی را بر مهاجرت نخبگان تحلیل کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که کارآفرینی تأثیر مثبت و معناداری بر مهاجرت نخبگان دارد، که این امر ناشی از نبود زیرساخت‌های مناسب برای جذب استعدادها و مازاد عرضه کارآفرینی در کشورهای مبدأ است. همچنین، جهانی شدن و شکاف رفاهی تأثیر مثبت، و ثبات سیاسی تأثیر منفی بر مهاجرت نخبگان دارند و مقاله بر این نکته تأکید می‌کند که ضعف مدیریت منابع طبیعی (مانند نفت) و عدم توسعه بازارهای دانش‌بنیان در کشورهای منطقه منا، علیرغم درآمدهای بالا، منجر به خروج نخبگان می‌شود. نویسندگان پیشنهاد می‌کنند که دولت‌ها با بهبود فضای کارآفرینی، تقویت ثبات سیاسی، و کاهش شکاف رفاهی از طریق سیاست‌های هدفمند، بتوانند جاذبه‌های ماندگاری نخبگان را افزایش دهند. این مطالعه از نظر روش‌شناسی مبتنی بر اطلاعات کمی و آزمون‌های اقتصادسنجی است و یافته‌های آن برای سیاست‌گذاران اقتصادی کشورهای در حال توسعه، به ویژه در منطقه منا، حائز اهمیت است، این مقاله نیز به افغانستان و مهاجرین مربوط به آن پرداخته است.

کار جدید که ما در این تحقیق انجام داده ایم در چند نکته ذیل خلاصه می‌شود که عموماً در مقالات دیگر به شکل عمومی و کلی به این نکات پرداخته است و آن نکات عبارت‌اند از:

1. **بُعد کمی تحقیق:** اغلب تحقیقاتی که تاکنون در زمینه مهاجرت نیروی کار در افغانستان انجام شده‌اند، عمدتاً رویکرد کیفی داشته‌اند و بر پایه مشاهدات، مصاحبه‌ها یا تحلیل‌های نظری صورت گرفته‌اند. با این حال، نبود پژوهش‌های کمی و آماری که بتوانند با اتکا به داده‌های دقیق و قابل‌سنجش، رابطه میان اشتغال و مهاجرت را تحلیل کنند، یکی از خلأهای قابل توجه در ادبیات این حوزه به شمار می‌رود. این تحقیق با بهره‌گیری از ابزارهای آماری و نرم‌افزارهای تحلیلی مانند SPSS، تلاش کرده است این خلأ را پوشش داده و تصویری عددی و دقیق‌تر از مسئله ارائه دهد.

2. **فقدان تبیین رابطه میان کار و بارهای کوچک و مهاجرت:** تا کنون، پژوهشی نظام‌مند که به‌طور مشخص رابطه بین توسعه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط و کاهش مهاجرت نیروی کار در افغانستان را بررسی و تبیین کرده باشد، انجام نشده است. بیشتر تحقیقات تنها به مهاجرت یا اشتغال به‌طور جداگانه پرداخته‌اند، در حالی که این تحقیق می‌کوشد به‌صورت مستقیم پیوند میان این دو متغیر را تحلیل کند و تأثیر توسعه کار و بارهای کوچک را بر کاهش تمایل به مهاجرت مورد ارزیابی علمی قرار دهد.

3. **ترکیب خاص جامعه آماری:** یکی از ویژگی‌های متمایز این پژوهش، ترکیب خاص جامعه آماری آن است که شامل دو دسته از افراد می‌شود: دسته اول، کسانی که به دلیل بیکاری یا نبود شغل مناسب مجبور به مهاجرت شده‌اند، و دسته دوم، افرادی که با تکیه بر کسب وکارهای کوچک و متوسط در کشور مانده‌اند و تمایلی به مهاجرت نداشته‌اند. این ترکیب دوگانه، امکان مقایسه تطبیقی و تحلیل دقیق‌تر تأثیر وضعیت شغلی بر مهاجرت را فراهم کرده است؛ ویژگی‌ای که در بسیاری از پژوهش‌های مشابه کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

4. **فقدان تحقیق مشابه در افغانستان با این ویژگی‌ها:** رغم اهمیت موضوع، تاکنون پژوهشی جامع و میدانی که با چنین ساختار، جامعه آماری و روش تحلیلی روی افغانستان متمرکز باشد، انجام نشده است. بیشتر مطالعات موجود یا کلی‌نگر بوده‌اند یا نتوانسته‌اند مشخصاً شرایط خاص افغانستان را با داده‌های بومی تحلیل کنند. بنابراین، انجام این تحقیق از منظر زمانی، جغرافیایی و موضوعی ضرورت داشته و می‌تواند بستری علمی برای سیاست‌گذاری‌های آینده در حوزه اشتغال و مهاجرت در افغانستان فراهم سازد.

با توجه به موارد فوق ویژگی‌های خاص این تحقیق بر جسته شده و بکر بودن موضوع تحقیق ما را نشان می‌دهد.

روش تحقیق

روش تحقیق این مطالعه مقاله از نوع توصیفی-تحلیلی و آماری است که با هدف بررسی رابطه میان وضعیت اشتغال (به‌ویژه در قالب کسب‌وکارهای کوچک و متوسط) و میزان تمایل به مهاجرت در میان نیروی کار افغانستان انجام شده است. برای گردآوری معلومات میدانی، پرسش‌نامه‌ای استاندارد توسط نویسنده تنظیم گردیده است که شامل سوالاتی پیرامون وضعیت شغلی، سطح درآمد، انگیزه‌های مهاجرت، و میزان دسترسی به فرصت‌های کاری بود. جامعه آماری تحقیق شامل دو گروه هدفمند از جمعیت بود: گروه نخست شامل افرادی که به دلیل بیکاری و نبود فرصت‌های شغلی مناسب مجبور به مهاجرت شده‌اند و این مورد را دلیل اصلی برای مهاجرت خویش تلقی کرده‌اند، و گروه دوم افرادی که با بهره‌گیری از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در کشور باقی مانده و تمایلی به مهاجرت نشان نداده‌اند و ابراز داشتند که اگر کار و بار برایشان فراهم شود انگیزه‌های مهاجرت به خارج نیز کمتر خواهد شد. هدف از انتخاب این دو گروه، فراهم آوردن بستری برای مقایسه و تحلیل دقیق تأثیر وضعیت اشتغال بر تصمیم مهاجرت بوده است که در نتیجه آن بتوان یک استراتژی منظم در زمینه تقدیم کرد.

در کنار معلومات میدانی، از منابع کتابخانه‌ای و مطالعات نظری به‌عنوان پشتوانه تیوریک نیز استفاده شده است تا ابعاد مفهومی و نظری موضوع تقویت گردیده و مبنا برای کار تحقیقاتی ما شود. برای تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده از نرم‌افزار SPSS بهره گرفته شده تا ارتباط آماری میان متغیرها (مانند نوع اشتغال، میزان درآمد، و تمایل به مهاجرت) به‌دقت

بررسی شود. همچنین، به منظور سهولت در جمع‌آوری و مدیریت اطلاعات، از قابلیت‌های Google Forms استفاده شده است که امکان ثبت سریع و دقیق پاسخ‌های سوال شوندگان را فراهم نموده است. این ترکیب از روش‌های کمی و کیفی به محقق اجازه داده تا با دقت بیشتری به تحلیل وضعیت موجود بپردازد و روابط میان متغیرهای کلیدی تحقیق را استخراج نماید، در پایان در این زمینه به شکل دقیق معلومات جمع‌آوری مناقشه شده و امکان استخراج پالیسی مشخصی را در زمینه برای محقق فراهم مینماید.

سوالات تحقیق

کسب وکارهای کوچک و متوسط چه نقشی در کاهش مهاجرت نیروی کار از طریق ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار در افغانستان دارند؟

سؤالات فرعی:

1. میان بیکاری و مهاجرت نیروی کار در افغانستان چه نوع رابطه‌ای وجود دارد؟
2. چگونه وجود فرصت‌های کسب وکارهای کوچک و متوسط در کاهش مهاجرت نیروی کار از افغانستان تأثیرگذار بوده است؟
3. نبود فرصت‌های کسب وکارهای کوچک و متوسط تا چه اندازه بر افزایش مهاجرت نیروی کار از افغانستان تأثیر گذاشته است؟

فرضیه‌های تحقیق

به نظر می‌رسد کسب و کارهای کوچک و متوسط با ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار، موجب کاهش مهاجرت نیروی کار در افغانستان می‌شوند.

فرضیه‌های فرعی:

1. بین بیکاری و مهاجرت نیروی کار در افغانستان رابطه‌ای مستقیم و معنادار وجود دارد.
2. وجود فرصت‌های کسب وکارهای کوچک و متوسط تأثیر مثبت و قابل توجهی در کاهش مهاجرت نیروی کار از افغانستان داشته است.
3. نبود فرصت‌های کسب وکارهای کوچک و متوسط موجب افزایش مهاجرت نیروی کار از افغانستان می‌شود.

توضیح جامعه آماری

در این تحقیق، جامعه آماری به دو گروه اصلی از افراد تقسیم شده است. گروه نخست شامل افرادی می‌شود که به دلیل فقدان فرصت‌های شغلی پایدار و نبود زمینه‌های مناسب برای کسب وکارهای کوچک و متوسط، تصمیم به مهاجرت از افغانستان گرفته‌اند. گروه دوم، افرادی را دربر می‌گیرد که با وجود شرایط دشوار اقتصادی، به فعالیت در کسب وکارهای کوچک و متوسط در داخل کشور ادامه داده و تمایلی به مهاجرت نشان نداده‌اند. در مجموع، تعداد مشارکت‌کنندگان در این تحقیق 81 نفر بوده است که انتخاب این جامعه آماری به شکل نمونه‌گیری تصادفی می‌باشد. از این میان، 41 نفر به گروه اول (مهاجران) و ۴۰ نفر دیگر به گروه دوم (غیرمهاجران) تعلق دارند. این ترکیب به محقق اجازه می‌دهد تا با مقایسه دیدگاه‌ها، تجربیات و انگیزه‌های دو گروه، به تحلیل دقیق‌تری از وضعیت کسب وکارهای کوچک و متوسط و نقش آن‌ها در تصمیم به مهاجرت یا ماندن در کشور دست یابد.

یافته‌های تحقیق بر مبنای پاسخ‌هایی استوار است که از این دو گروه به‌دست آمده و در ادامه به آن‌ها پرداخته خواهد شد، نکته قابل توجه این است که این موارد در مناقشه محقق زیاد موثر بوده و در بحث مناقشه از آن استفاده خواهد شد.

اطلاعات جمع‌آوری شده

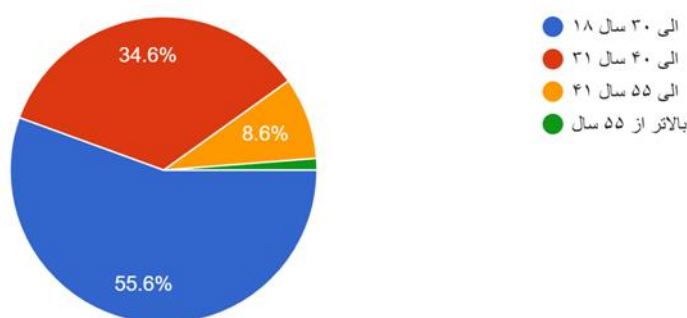
ساختار پرسشنامه

شماره	سوالات	اطلاعات پاسخ دهنده	نوع پاسخ	نظریات تفصیلی پاسخ دهنده	ملاحظات
1.	به نظر شما آیا کار و بار های کوچک و متوسط میتواند عامل موثر برای کاهش مهاجرت نیروی کار باشد؟	در سه محور (سن، شغل و مهاجر یا ساکن)	انتخابی، مقایسه ای و تفصیلی	نظریات تفصیلی در دو محور جمع آوری شده است برای اینکه تحلیل دقیق‌تر انجام شود (نقش حمایت دولت و نهاد ها، تجربیات و نظریات پاسخ دهندگان در این زمینه)	
2.	اگر فرصت کار و بار کوچک یا متوسط با در آمد پایدار برای شما وجود داشته باشد، آیا باز هم به مهاجرت فکر میکردید؟	در سه محور (سن، شغل و مهاجر یا ساکن)	انتخابی، مقایسه ای و تفصیلی	نظریات تفصیلی در دو محور جمع آوری شده است برای اینکه تحلیل دقیق‌تر انجام شود (نقش حمایت دولت و نهاد ها، تجربیات و نظریات پاسخ دهندگان در این زمینه)	
اکثریت سوالات مطرح شده با همین ساختار طراحی گردیده است که در بخش مناقشه روش مناقشه خویش را نیز تبیین خواهیم کرد					

یافته‌های تحقیق

سوال اول:

شما چند سال دارید؟
81 responses



از مجموع افرادی که در این تحقیق شرکت کرده و پرسشنامه را تکمیل نموده‌اند، 45 تن گروه سنی 18 تا 30 سال را انتخاب کرده‌اند که این تعداد 55.6 درصد از کل اشتراک‌کنندگان را تشکیل می‌دهد. این گروه بیشترین سهم را در میان پاسخ‌دهندگان دارد و نشان‌دهنده مشارکت بالای جوانان در این پژوهش است.

پس از آن، 28 تن گروه سنی 31 تا 40 سال را برگزیده‌اند که معادل تقریباً 35 درصد از مجموع شرکت‌کنندگان می‌باشد. این رقم بیانگر حضور قابل توجه افراد میانسال در تحقیق است.

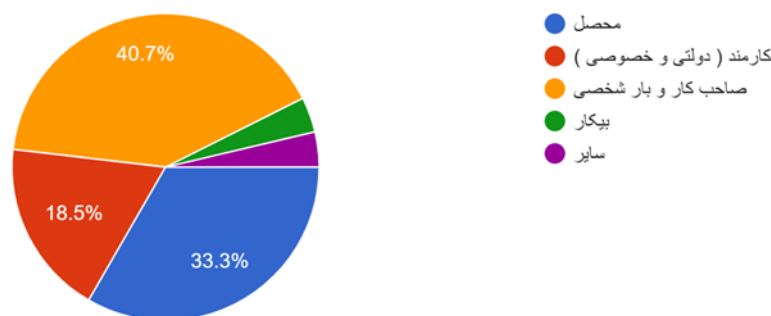
در رتبه سوم، 7 تن گروه سنی 41 تا 55 سال را انتخاب کرده‌اند که این تعداد 8.6 درصد کل نمونه را تشکیل می‌دهد. این گروه سهم کمتری نسبت به دو گروه پیشین دارد.

در نهایت، تنها یک تن گزینه بالاتر از 55 سال را انتخاب نموده است که معادل 1.2 درصد از مجموع اشتراک‌کنندگان می‌باشد و نشان می‌دهد که مشارکت افراد سالمند در این مطالعه بسیار اندک بوده است.

تحلیل: با در نظر داشتن عنوان تحقیق (کار و بارهای کوچک و متوسط و نقش آن در کاهش مهاجرت نیروی کار) و با توجه به معلومات جمع‌آوری‌شده، می‌توان تحلیل نمود که بیشترین میزان مشارکت‌کنندگان این تحقیق از گروه سنی 18 تا 30 سال (55.6%) بوده‌اند که بر اساس تحلیل‌های آماری در SPSS، این گروه جوان‌ترین و از نظر انگیزه‌های اقتصادی و اشتغال، آسیب‌پذیرترین قشر نیروی کار محسوب می‌شوند. مشارکت بالای این گروه نشان می‌دهد که جوانان بیش از سایر گروه‌ها به موضوع اشتغال و مهاجرت حساسیت دارند و یافته‌های تحقیق می‌تواند بیشترین ارتباط را با تجربیات و نیازهای آنان داشته باشد. همچنین سهم 35 درصدی گروه سنی 31 تا 40 سال نیز نشان‌دهنده علاقه‌مندی میانسالان به وضعیت کار و اشتغال است که معمولاً با مسئولیت‌های خانوادگی و اقتصادی بیشتری روبه‌رو هستند. در مقابل، مشارکت اندک گروه‌های سنی بالاتر (41 سال به بالا) که مجموعاً کمتر از 10 درصد را تشکیل می‌دهند، بیانگر تمرکز موضوع بر نسل‌های جوان‌تر است که در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با مهاجرت نقش کلیدی دارند.

سوال دوم:

شغل شما
nses



از مجموع افرادی که در این تحقیق شرکت کرده و پرسشنامه را تکمیل نموده‌اند، 33 تن گزینه (صاحب کار و بار شخصی) را انتخاب کرده‌اند که این تعداد معادل 55.6 درصد کل اشتراک‌کنندگان را تشکیل می‌دهد. این گروه بیشترین سهم را در میان پاسخ‌دهندگان داشته و نشان‌دهنده سهم بالای افراد خود اشتغال یا دارای مشاغل آزاد در این مطالعه است.

در مرتبه دوم، 27 تن وضعیت (محصل بودن) را انتخاب نموده‌اند که معادل 33.3 درصد از کل شرکت‌کنندگان است. این رقم بیانگر مشارکت قابل توجه قشر دانشجویی یا در حال تحصیل در تحقیق می‌باشد.

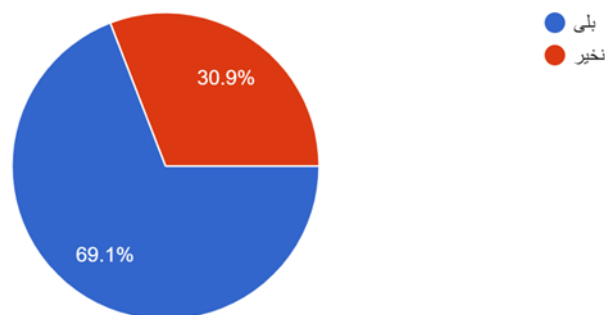
پس از آن، 15 تن گزینه (کارمند دولتی بودن) را انتخاب کرده‌اند که این تعداد 18.5 درصد از مجموع پاسخ‌دهندگان را شامل می‌شود. این گروه نمایانگر سهم کارکنان نهادهای دولتی در میان اشتراک‌کنندگان است.

در نهایت، هر یک از گزینه‌های (بیکار) و (دیگر) توسط سه تن از پاسخ‌دهندگان انتخاب شده‌اند که هر کدام 3 درصد از کل شرکت‌کنندگان را تشکیل می‌دهند. این ارقام بیانگر مشارکت اندک این دو گروه در پژوهش حاضر است.

تحلیل: با توجه به عنوان تحقیق و بعد از تحلیل توسط پلتفرم SPSS، اطلاعات مربوط به وضعیت اشتغال پاسخ‌دهندگان نشان می‌دهد که بیشترین سهم را افراد دارای کار و بار شخصی با 55.6 درصد به خود اختصاص داده‌اند؛ این موضوع بیانگر آن است که بخش قابل توجهی از شرکت‌کنندگان به شکل مستقیم با فضای کارآفرینی و اشتغال مستقل درگیر هستند و این موضوع را مهاجرت ربط مستقیم می‌دهند. این امر می‌تواند تأییدی بر این نکته باشد که ایجاد و توسعه کار و بارهای کوچک نقش تعیین‌کننده‌ای در حفظ نیروی کار در داخل کشور دارد، چرا که افراد دارای شغل و درآمد پایدار کمتر تمایل به مهاجرت از خود نشان می‌دهند. همچنین، مشارکت بالای محصلین (33.3%) اهمیت درک دید نسل جوان و تحصیل‌کرده نسبت به اشتغال و مهاجرت را برجسته می‌سازد، به‌ویژه اگر فرصت‌های شغلی پس از فراغت فراهم نباشد، خطر مهاجرت این قشر افزایش می‌یابد. سهم 18.5 درصدی کارمندان دولتی نیز نشان می‌دهد که امنیت شغلی نسبی می‌تواند انگیزه مهاجرت را کاهش دهد. از سوی دیگر، مشارکت پایین بیکاران (3%) اگرچه از نظر عددی کم است، اما می‌تواند بازتاب‌دهنده یکی از گروه‌های آسیب‌پذیر و در معرض مهاجرت باشد.

سوال سوم:

آیا شما یا خانواده‌تان صاحب یک کار و بار کوچک یا متوسط هستید؟
81 responses



از میان تمامی افرادی که در این پژوهش شرکت کرده و پرسشنامه را تکمیل نموده‌اند، 56 تن (معادل 69.1 درصد از کل پاسخ‌دهندگان) گزینه (بله) را انتخاب کرده‌اند و اظهار داشته‌اند که خودشان یا یکی از اعضای خانواده‌شان صاحب کار و بار کوچک یا متوسط هستند. این رقم نشان‌دهنده آن است که اکثریت قابل توجهی از اشتراک‌کنندگان به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با فعالیتهای اقتصادی در بخش مشاغل کوچک و متوسط در ارتباط‌اند.

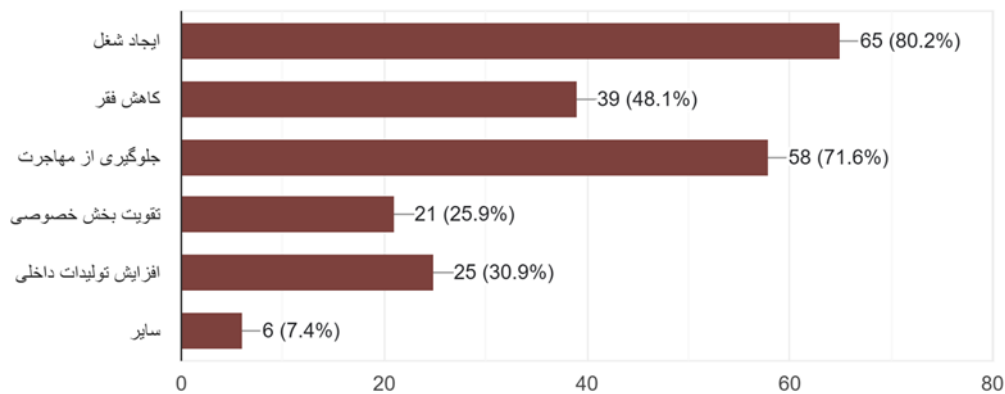
در مقابل، 25 تن از پاسخ‌دهندگان (معادل 30.9 درصد) گزینه (نخیر) را انتخاب کرده‌اند، به این معنا که نه خودشان و نه اعضای خانواده‌شان در این نوع فعالیت اقتصادی دخیل نمی‌باشند. این نسبت نیز نشان‌دهنده وجود بخشی از جامعه است که ارتباطی با این بخش اقتصادی ندارد.

تحلیل: با در نظر گرفتن عنوان و با استفاده از قابلیت‌های تحلیلی پلتفرم SPSS، اطلاعات مربوط به ارتباط خانوادگی پاسخ‌دهندگان با کار و بارهای کوچک و متوسط نشان می‌دهد که اکثریت قابل توجه (69.1٪) به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در این نوع مشاغل فعالیت دارند. این یافته از یک سو بیانگر رواج بالای این نوع فعالیت‌های اقتصادی در میان جامعه مورد بررسی است و از سوی دیگر ظرفیت بالقوه این بخش را برای کاهش مهاجرت نیروی کار برجسته می‌سازد. افرادی که در چنین فعالیت‌هایی دخیل هستند، معمولاً دارای سطحی از درآمد و اشتغال می‌باشند که می‌تواند به تثبیت آن‌ها در کشور و کاهش تمایل به مهاجرت منجر شود. از سوی دیگر، اقلیت 30.9 درصدی که هیچ‌گونه ارتباطی با این نوع کار و بار ندارند، ممکن است در معرض خطر بالاتری برای مهاجرت قرار داشته باشند، چرا که نداشتن شغل یا فرصت اقتصادی پایدار، از عوامل اصلی تصمیم به ترک کشور محسوب می‌شود. همچنان می‌توان تحلیل‌های آماری دقیق‌تری مانند آزمون همبستگی پیرسون یا کای-اسکویر انجام داد تا رابطه معنادار بین داشتن شغل کوچک/متوسط در خانواده و تمایل به مهاجرت را انجام داد و نقش حمایتی این نوع اشتغال در کاهش مهاجرت به‌صورت مستند و آماری تثبیت گردد.

سوال چهارم:

به نظر شما کار و بار های کوچک و متوسط چه نقشی در اقتصاد افغانستان دارد ؟

81 responses



در پاسخ به این پرسش که (به نظر شما کار و بار کوچک و متوسط چه نقشی در افغانستان دارد؟)، شرکت کنندگان در پرسشنامه (که در این سوال اجازه انتخاب چندین گزینه را داشتند)، دیدگاه‌های متنوعی ارائه داده‌اند که نتایج آن به شرح زیر است:

بیشترین تعداد پاسخ‌دهندگان، یعنی 65 تن (معادل 80.2 درصد)، گزینه (ایجاد شغل) را انتخاب کرده‌اند. این امر نشان‌دهنده‌ی باور گسترده در میان اشتراک‌کنندگان است که کسب‌وکارهای کوچک و متوسط می‌توانند نقش کلیدی در کاهش بیکاری و فراهم‌آوردن فرصت‌های شغلی در کشور ایفا کنند.

در مرتبه بعد، 58 تن (71.6 درصد) گزینه (جلوگیری از مهاجرت) را برگزیده‌اند. این نتیجه بیانگر آن است که بسیاری از پاسخ‌دهندگان معتقدند اگر زمینه‌های کاری و درآمدزایی از طریق این نوع فعالیت‌های اقتصادی در داخل کشور فراهم شود، از موج مهاجرت نیروی کار به خارج از کشور جلوگیری خواهد شد.

همچنین، 39 تن از اشتراک‌کنندگان (48.1 درصد) بر این باورند که کار و بار کوچک و متوسط می‌تواند نقش مؤثری در (کاهش فقر) ایفا کند. این دیدگاه نشان‌دهنده‌ی درک عمومی از توانمندی این کسب‌وکارها در بهبود معیشت خانواده‌ها و ارتقاء سطح زندگی است.

در مرحله بعد، 25 تن (30.9 درصد) گزینه (افزایش تولیدات داخلی) را انتخاب نموده‌اند، که نشان‌دهنده توجه به ظرفیت این نوع مشاغل در رشد اقتصادی ملی و تقویت خودکفایی است.

همچنین، 21 تن (25.9 درصد) نیز گزینه (تقویت بخش خصوصی) را انتخاب کرده‌اند، که نشان می‌دهد گروهی از پاسخ‌دهندگان به نقش ساختاری این نوع فعالیت‌ها در رشد و توسعه بخش خصوصی توجه داشته‌اند.

در نهایت، 6 تن (معادل 7.4 درصد) گزینه (سایر) را انتخاب نموده‌اند که می‌تواند شامل دیدگاه‌ها یا موارد خاصی باشد که در میان گزینه‌های اصلی پرسش‌نامه لحاظ نشده است.

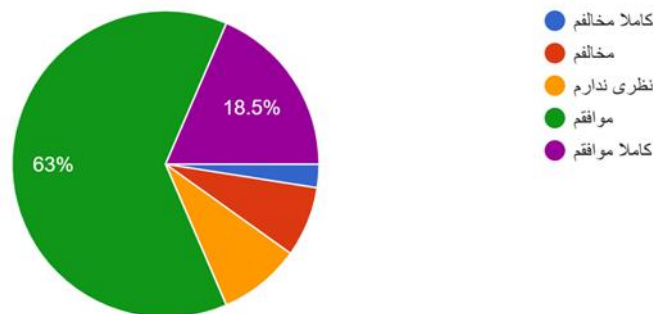
تحلیل: با در نظر گرفتن عنوان تحقیق و بهره‌گیری از ظرفیت‌های تحلیلی SPSS، معلومات به‌دست‌آمده از این پرسش نشان می‌دهد که پاسخ‌دهندگان نقش چندبعدی و گسترده‌ای برای کار و بارهای کوچک و متوسط در جامعه افغانستان قائل‌اند. مهم‌ترین نقش برجسته‌شده در میان پاسخ‌ها، (ایجاد شغل) است که با انتخاب 80.2 درصد از شرکت‌کنندگان، مؤید نیاز شدید جامعه به فرصت‌های شغلی پایدار و اهمیت این بخش در کاهش نرخ بیکاری می‌باشد.

از سوی دیگر، 71.6 درصد از پاسخ‌دهندگان (جلوگیری از مهاجرت) را از آثار مثبت این نوع فعالیت‌ها دانسته‌اند، که با محور اصلی تحقیق نیز کاملاً هم‌راستا است. این نتیجه بیانگر آن است که گسترش کار و بارهای کوچک و متوسط می‌تواند به‌صورت مستقیم در کاهش تمایل به مهاجرت، به‌ویژه در میان جوانان و نیروی کار فعال، نقش ایفا نماید.

گزینه‌های (کاهش فقر) 48.1٪، (افزایش تولیدات داخلی) 30.9٪، و (تقویت بخش خصوصی) 25.9٪ نیز نشان می‌دهد که این فعالیت‌ها نه تنها در حوزه اشتغال‌زایی مؤثر هستند، بلکه در رشد اقتصاد کلان، افزایش تولید ملی و ارتقاء نقش بخش خصوصی در توسعه نیز تأثیر دارند.

سوال پنجم:

به نظر شما آیا کار و بار های کوچک و متوسط میتواند عامل مؤثر برای کاهش مهاجرت نیروی کار باشد ؟
81 responses



در پاسخ به این پرسش که «به نظر شما آیا کار و بارهای کوچک و متوسط می تواند عامل مؤثری برای کاهش مهاجرت نیروی کار باشد؟»، شرکت کنندگان در پرسشنامه دیدگاه های مختلفی ارائه داده اند که نتایج آن به شرح زیر می باشد:

بیشترین تعداد پاسخ دهندگان، یعنی 51 تن (معادل 63 درصد)، گزینه (موافقم) را انتخاب کرده اند. این آمار نشان دهنده آن است که بخش عمده ای از اشتراک کنندگان باور دارند که توسعه مشاغل کوچک و متوسط می تواند فرصت های شغلی لازم را در داخل کشور فراهم سازد و انگیزه مهاجرت را کاهش دهد.

در مرتبه بعد، 15 تن (معادل 18.5 درصد) دیدگاه قوی تری اتخاذ کرده و گزینه (کاملاً موافقم) را برگزیده اند. این گروه با اطمینان بیشتری بر نقش مؤثر این نوع فعالیت های اقتصادی در کاهش مهاجرت نیروی کار تأکید کرده اند.

در مقابل، 7 تن از شرکت کنندگان (8.6 درصد) گزینه (نظری ندارم) را انتخاب نموده اند که نشان می دهد بخشی از پاسخ دهندگان در این زمینه دیدگاه مشخصی نداشته یا نیاز به اطلاعات بیشتر برای اظهار نظر داشته اند.

همچنین، 6 تن (معادل 7.4 درصد) با این دیدگاه مخالفت کرده و گزینه (مخالقم) را انتخاب نموده اند. این افراد ممکن است به موانع و چالش هایی در مسیر تأثیرگذاری مشاغل کوچک و متوسط بر کاهش مهاجرت اشاره داشته باشند.

در نهایت، 2 تن از پاسخ دهندگان (معادل 2.5 درصد) گزینه (کاملاً مخالفم) را برگزیده اند، که بیانگر دیدگاه کاملاً منتقدانه نسبت به نقش این نوع کسب و کارها در کاهش مهاجرت نیروی کار است

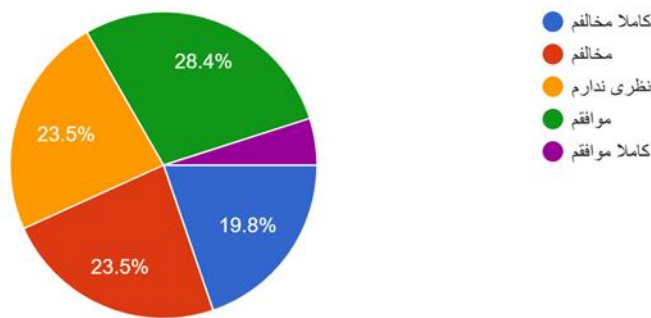
تحلیل: با توجه به عنوان تحقیق و تحلیل های که در قالب پلتفرم SPSS انجام میشود می توان چنین نتیجه گیری کرد که اکثریت قابل توجه پاسخ دهندگان بر نقش مثبت و مؤثر کسب و کارهای کوچک و متوسط در کاهش مهاجرت نیروی کار تأکید دارند. ترکیب دو گزینه (موافقم) 63٪ و (کاملاً موافقم) 18.5٪ نشان می دهد که حدود 81.5 درصد از اشتراک کنندگان به این باور دارند که توسعه چنین مشاغلی می تواند نیازهای شغلی در داخل کشور را برآورده ساخته و از مهاجرت های اقتصادی، به ویژه در میان جوانان، جلوگیری کند.

در عین حال، درصد اندک افرادی که گزینه های (مخالقم) 7.4٪ و (کاملاً مخالفم) 2.5٪ را انتخاب کرده اند، نشان می دهد که هرچند تعدادشان کم است، اما وجود این دیدگاه های انتقادی حاکی از آن است که برخی افراد به موانع ساختاری، ضعف حمایت های دولتی یا ناکارآمدی برخی پروژه های کوچک باور دارند.

در مجموع، تحلیل این اطلاعات نشان می‌دهد که توجه به کار و بارهای کوچک و متوسط، اگر با سیاست‌گذاری هدفمند، تسهیلات مالی و ایجاد زیرساخت‌های حمایتی همراه شود، می‌تواند به‌عنوان راهبردی کلیدی برای کاهش مهاجرت نیروی کار در افغانستان به کار گرفته شود.

سوال ششم:

دولت یا نهاد های بین المللی از کار آفرینان جوان در کشور حمایت می کنند؟
81 responses



در پاسخ به این پرسش که (آیا دولت یا نهادهای بین‌المللی از کارآفرینان جوان در کشور حمایت می‌کنند؟)، پاسخ‌دهندگان نظرات متفاوتی ارائه داده‌اند که نتایج آن به شرح زیر است:

از میان مجموع افرادی که پرسشنامه را تکمیل نموده‌اند، 23 تن (معادل 28.4 درصد) گزینه (موافقم) را انتخاب کرده‌اند. این افراد بر این باورند که دولت یا نهادهای بین‌المللی تا اندازه‌ای از کارآفرینان جوان حمایت می‌کنند، اگرچه این حمایت ممکن است محدود یا ناکافی باشد.

در مرتبه بعد، تنها 4 تن (معادل 4.9 درصد) گزینه (کاملاً موافقم) را انتخاب نموده‌اند. این درصد نسبتاً پایین نشان می‌دهد که تنها تعداد اندکی از پاسخ‌دهندگان به طور کامل به وجود حمایت‌های مؤثر و ملموس از سوی نهادهای مسئول باور دارند.

در مقابل، 19 تن از پاسخ‌دهندگان (معادل 23.5 درصد) گزینه (نظری ندارم) را برگزیده‌اند، که می‌تواند نشان‌دهنده عدم آگاهی کافی درباره برنامه‌ها و اقدامات حمایتی، یا تردید در ارزیابی میزان حمایت موجود باشد.

همچنین، 19 تن دیگر (23.5 درصد) گزینه (مخالفم) را انتخاب کرده‌اند. این گروه معتقدند که دولت و نهادهای بین‌المللی به طور قابل توجهی از کارآفرینان جوان حمایت نمی‌کنند و سیاست‌ها یا برنامه‌های موجود را ناکارآمد یا نامحسوس می‌دانند.

در نهایت، 16 تن (معادل 19.8 درصد) دیدگاه صریح‌تری اتخاذ کرده و گزینه «کاملاً مخالفم» را انتخاب نموده‌اند. این دسته از پاسخ‌دهندگان باور دارند که هیچ‌گونه حمایت مؤثری از سوی دولت یا نهادهای بین‌المللی برای جوانان کارآفرین وجود ندارد و وضعیت موجود را به شدت نقد می‌کنند.

تحلیل: با توجه به عنوان تحقیق و تحلیل اطلاعات مربوط به پرسش (آیا دولت یا نهادهای بین‌المللی از کارآفرینان جوان حمایت می‌کنند؟) نشان می‌دهد که دیدگاه غالب در میان پاسخ‌دهندگان بیانگر ضعف در حمایت نهادهای ذی‌ربط از کارآفرینان جوان است، در حالیکه یکی از عوامل اصلی شکست کار و بارهای کوچک و متوسط نبود سیاست‌های حمایتی و

قانونی خوانده شده است.^۸ تنها ۲۸.۴٪ پاسخ‌دهندگان گزینه (موافقم) و فقط ۴.۹٪ گزینه (کاملاً موافقم) را انتخاب کرده‌اند، که در مجموع نشان می‌دهد فقط حدود یک‌سوم ۳۳.۳٪ به نوعی به وجود حمایت‌ها باور دارند، آن‌هم اغلب با تردید نسبت به میزان اثربخشی و فراگیری آن.

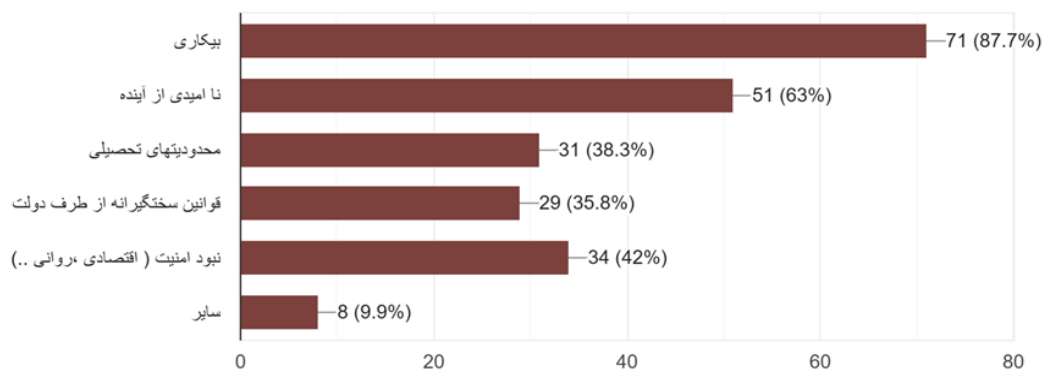
در مقابل، مجموع درصد کسانی که گزینه‌های (مخالفم) ۲۳.۵٪ و (کاملاً مخالفم) ۱۹.۸٪ را انتخاب کرده‌اند، به بیش از ۴۳ درصد می‌رسد، که نشان‌دهنده نارضایتی گسترده از عملکرد نهادهای مسئول در حمایت از کارآفرینی جوانان است. این یافته‌ها با توجه به موضوع تحقیق بسیار حائز اهمیت است، زیرا حمایت‌های مؤثر دولتی و بین‌المللی یکی از عوامل کلیدی در تقویت کسب‌وکارهای کوچک و متوسط و در نتیجه، جلوگیری از مهاجرت نیروی کار به شمار می‌رود.

از سوی دیگر، نسبت بالای افرادی که گزینه (نظری ندارم) ۲۳.۵٪ را انتخاب کرده‌اند، بیانگر خلأ اطلاعاتی یا ضعف شفافیت در برنامه‌های حمایتی نهادهای مربوطه است. این موضوع نیز می‌تواند عاملی بازدارنده در گسترش انگیزه برای راه‌اندازی کسب‌وکارهای کوچک در میان جوانان باشد.

سوال هفتم:

به نظر شما دلایل اصلی مهاجرت از افغانستان چیست؟

81 responses



^۸ . اسماعیلی رنجبر، شیلا، اسماعیلی رنجبر، لعیا، مروری بر عوامل مؤثر بر شکست کسب و کارهای کوچک، یازدهمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی، تهران، ۲۵ اسفند ۱۴۰۱ ه.ش.

در پاسخ به پرسش (به نظر شما دلایل اصلی مهاجرت از افغانستان چیست؟) که در آن شرکت‌کنندگان اجازه داشتند چندین گزینه را هم‌زمان انتخاب کنند، پاسخ‌دهندگان عوامل مختلفی را به‌عنوان انگیزه‌های اصلی مهاجرت برشمرده‌اند. نتایج این پرسش به شرح زیر است:

بالاترین تعداد پاسخ‌دهندگان، یعنی 71 تن (معادل 87.7 درصد)، گزینه «بیکاری» را انتخاب کرده‌اند. این آمار نشان می‌دهد که نبود فرصت‌های شغلی مناسب و پایدار، یکی از مهم‌ترین عوامل رانشی در تصمیم به مهاجرت از کشور به شمار می‌رود.

در رتبه دوم، 51 تن از شرکت‌کنندگان (معادل 63 درصد) گزینه «ناامیدی از آینده» را انتخاب نموده‌اند. این دیدگاه نشان‌دهنده آن است که بخش قابل توجهی از مردم نسبت به بهبود شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در آینده کشور دیدگاه مثبتی ندارند، و همین عامل آنان را به مهاجرت سوق می‌دهد.

سومین عامل مهم از دید پاسخ‌دهندگان، «نبود امنیت اقتصادی» بوده است که توسط 34 تن (معادل 42 درصد) انتخاب شده است. این رقم نشان می‌دهد که بی‌ثباتی درآمد، تورم، و نبود اطمینان از آینده مالی نیز نقش عمده‌ای در تصمیم مهاجرت ایفا می‌کند.

در ادامه، 31 تن (معادل 38.3 درصد) گزینه «محدودیت‌های تحصیلی» را برگزیده‌اند، که نشان‌دهنده مشکلات موجود در دسترسی به آموزش باکیفیت، ادامه تحصیل در سطوح بالاتر، و کمبود امکانات علمی در داخل کشور است.

همچنین، 29 تن (معادل 35.8 درصد) گزینه «قوانین سخت‌گیرانه از سوی دولت» را انتخاب کرده‌اند، که بیانگر تأثیر محدودیت‌ها، فشارها و سیاست‌های سخت‌گیرانه حکومتی بر تصمیم‌گیری برای ترک کشور می‌باشد.

در نهایت، 8 تن از پاسخ‌دهندگان (معادل 9.9 درصد) گزینه «سایر» را انتخاب نموده‌اند، که ممکن است شامل عوامل فردی، خانوادگی، فرهنگی یا دیگر مسائلی باشد که در میان گزینه‌های مشخص پرسشنامه گنجانده نشده‌اند.

تحلیل: با توجه به عنوان تحقیق (کار و بارهای کوچک و متوسط و نقش آن در کاهش مهاجرت نیروی کار)، یافته‌های حاصل از پرسش درباره دلایل اصلی مهاجرت از افغانستان به‌خوبی نشان می‌دهد که ریشه‌های اصلی مهاجرت در بستر مشکلات اقتصادی و اجتماعی عمیق کشور قرار دارند، که بسیاری از آن‌ها می‌توانند با توسعه کار و بارهای کوچک و متوسط تا حد زیادی تعدیل شوند.

نخست، بیکاری با کسب 87.7% از آراء، مهم‌ترین عامل مهاجرت شناخته شده است. این رقم به‌طور واضح نشان می‌دهد که نبود فرصت‌های شغلی پایدار، اصلی‌ترین محرک مهاجرت نیروی کار به خارج از کشور است. در این چارچوب، تقویت کسب و کارهای کوچک و متوسط می‌تواند به‌عنوان راه‌حلی عملی برای ایجاد اشتغال محلی مطرح شود و نقش مستقیم در کاهش انگیزه مهاجرت ایفا کند.

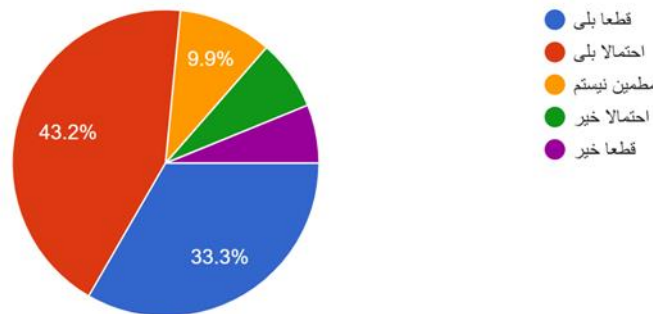
در رتبه دوم، ناامیدی از آینده با 63% پاسخ‌ها، نگرانی عمیق روانی و اجتماعی مردم نسبت به ثبات و پیشرفت کشور را بازتاب می‌دهد. ایجاد و پشتیبانی از بسترهای اقتصادی کوچک مقیاس می‌تواند به تقویت امید اجتماعی، حس تعلق، و انگیزه برای ماندن در کشور بینجامد.

سومین عامل یعنی نبود امنیت اقتصادی 42% نیز پیوند نزدیکی با کارآفرینی خرد دارد؛ زیرا ایجاد کار و بارهای مستقل می‌تواند ابزار مؤثری برای استقلال مالی، کاهش وابستگی به بازار کار دولتی، و مقابله با بی‌ثباتی اقتصادی باشد.

سایر دلایل از جمله محدودیت‌های تحصیلی 38.3% و قوانین سخت‌گیرانه دولتی 35.8% نشان می‌دهند که علاوه بر عوامل اقتصادی، موانع نهادی و سیستماتیک نیز نقش پررنگی در مهاجرت دارند. هرچند این عوامل به صورت مستقیم با کسب‌وکارهای کوچک مرتبط نیستند، اما در صورتی که بوروکراسی و قوانین دست‌وپاگیر کاهش یافته و حمایت‌های لازم از کارآفرینی محلی به عمل آید، بخشی از این موانع نیز قابل رفع خواهد بود.

سوال هشتم:

آیا به مهاجرت از افغانستان به کشور دیگر فکر می‌کنید ؟
81 responses



در پاسخ به این پرسش که «آیا به مهاجرت از افغانستان به کشور دیگر فکر می‌کنید؟»، پاسخ‌دهندگان دیدگاه‌های متفاوتی ارائه داده‌اند که نشان‌دهنده تنوع در نگرش‌ها و برنامه‌های فردی نسبت به آینده و ماندن یا ترک کشور است. نتایج این پرسش به شرح زیر می‌باشد:

بیشترین تعداد پاسخ‌دهندگان، یعنی 35 تن (معادل 43.2 درصد)، گزینه «احتمالاً بلی» را انتخاب کرده‌اند. این آمار نشان می‌دهد که بخش بزرگی از شرکت‌کنندگان به مهاجرت به عنوان یک گزینه‌ی محتمل در آینده فکر می‌کنند، هرچند تصمیم نهایی خود را هنوز نگرفته‌اند.

در رتبه بعد، 27 تن (معادل 33.3 درصد) گزینه «قطعاً بلی» را برگزیده‌اند. این دسته از پاسخ‌دهندگان تصمیمی جدی برای مهاجرت دارند و به احتمال بسیار زیاد در پی یافتن فرصت‌هایی برای ترک کشور هستند.

در مقابل، 8 تن (معادل 9.9 درصد) گزینه «مطمئن نیستم» را انتخاب نموده‌اند، که بیانگر تردید و بلاتکلیفی در تصمیم‌گیری در خصوص مهاجرت است. این افراد ممکن است تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند شرایط خانوادگی، وضعیت شغلی، یا آینده تحصیلی قرار داشته باشند.

همچنین، 6 تن (معادل 7.4 درصد) گزینه «احتمالاً خیر» را انتخاب کرده‌اند، که نشان می‌دهد آنان تمایل دارند در کشور بمانند، اما هنوز به طور کامل در تصمیم خود مطمئن نیستند.

در نهایت، تنها 5 تن از پاسخ‌دهندگان (معادل 6.2 درصد) گزینه «قطعاً خیر» را برگزیده‌اند. این گروه به وضوح تصمیم گرفته‌اند که در افغانستان بمانند و برنامه‌ای برای مهاجرت به کشور دیگر ندارند.

تحلیل: این تحلیل دو دو محور خلاصه میشود

اول: غلبه تمایل به مهاجرت و هشدار نسبت به خروج سرمایه انسانی

دو گروه نخست یعنی: (احتمالاً بلی) با 35 نفر 43.2% و (قطعاً بلی) با 27 نفر 33.3% میباشد در مجموع 60 نفر (بیش از 76٪) از پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دهند که به‌نحوی به مهاجرت از افغانستان فکر می‌کنند یا قصد جدی برای آن دارند. این آمار بالا نشان می‌دهد که بخش قابل‌توجهی از نیروی بالقوه و فعال کشور، به‌دلیل وضعیت نامطلوب اقتصادی موجود، تمایل به ترک کشور دارد. این پدیده مستقیماً به ضعف ساختارهای حمایتی، نبود فرصت‌های شغلی پایدار، و نبود فضای مطلوب برای رشد و پیشرفت کاری و اقتصادی در داخل کشور ارتباط دارد.

دوم: نقش بلاتکلیفی اقتصادی و اجتماعی در تردید نسبت به مهاجرت
گروه (مطمئن نیستیم) که 8 نفر 9.9% از پاسخ‌دهندگان را شامل می‌شود، نشان‌دهنده آن است که بخش کوچکی از جامعه هنوز در مرحله بررسی و ارزیابی شرایط است. این گروه می‌تواند هدف مناسبی برای سیاست‌های حمایتی و توسعه مشاغل کوچک و متوسط قرار گیرد، چرا که تصمیم‌نهایی‌شان وابسته به بهبود شرایط اقتصادی و کاری است.

سوم: گروه‌های متمایل به ماندن؛ اقلیت اما مهم
دو گروه: (احتمالاً خیر) با 6 نفر 7.4% و (قطعاً خیر) با 5 نفر 6.2% که جمعاً تنها حدود 13.6% از پاسخ‌دهندگان را شامل می‌شوند که تمایلی به مهاجرت ندارند.

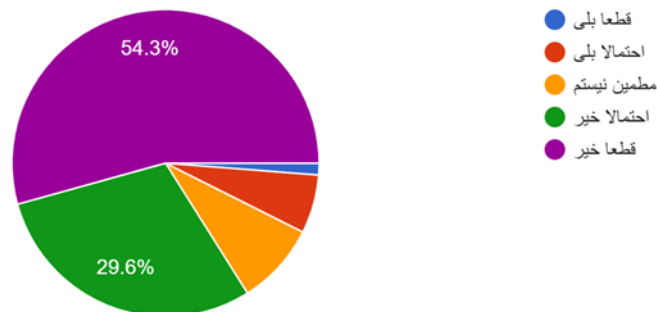
این اقلیت مهم می‌تواند بیانگر افرادی باشد که یا در ساختارهای شغلی نسبتاً پایدار فعالیت دارند، یا درگیر فعالیت‌های خوداشتغالی و کسب‌وکارهای کوچک‌اند. این افراد نمونه‌های موفقی از اثرگذاری نسبی کار و بارهای کوچک و متوسط در تثبیت نیروی کار در کشور هستند و شناسایی انگیزه‌ها و وضعیت آن‌ها می‌تواند در طراحی الگوی ماندگاری برای سایر اقشار مفید باشد.

در نتیجه: این سه نکته بسیار مهم است

1. تمایل به مهاجرت در میان جمعیت جوان و فعال بسیار بالاست.
2. اما در عین حال، یک اقلیت وفادار به ماندن در کشور نیز وجود دارد که احتمالاً از شرایط کاری بهتری برخوردارند.
3. توسعه و حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط می‌تواند از جمله ابزارهای مهم در تغییر تمایل مهاجرتی اکثریت افراد باشد.

سال نهم:

اگر فرصت راه اندازی یک کار و بار کوچک یا متوسط با درآمد پایدار وجود داشت، آیا به مهاجرت فکر میکردید؟ (در صورتیکه اگر گزینه (بلی) را برای مهاجرت انتخاب نمودید)
81 responses



در پاسخ به این پرسش که (اگر فرصت کار و بار کوچک یا متوسط با درآمد پایدار وجود داشته باشد، آیا باز هم به مهاجرت فکر می کنید؟)، شرکت کنندگان دیدگاه های قابل تأملی ارائه داده اند که نتایج آن نشان دهنده ی تأثیر مستقیم اشتغال پایدار بر کاهش تمایل به مهاجرت است. جزئیات پاسخ ها به شرح زیر می باشد:

بیشترین تعداد پاسخ دهندگان، یعنی 44 تن (معادل 54.3 درصد)، گزینه (قطعاً خیر) را انتخاب کرده اند. این پاسخ نشان دهنده آن است که بیش از نیمی از شرکت کنندگان، در صورت فراهم شدن فرصت شغلی پایدار در قالب کار و بار کوچک یا متوسط، به هیچ وجه به مهاجرت فکر نمی کنند. این آمار بر اهمیت اشتغال داخلی در تثبیت نیروی انسانی و جلوگیری از مهاجرت تأکید دارد.

در مرتبه بعد، 24 تن (معادل 29.6 درصد) گزینه (احتمالاً خیر) را برگزیده اند. این گروه نیز گرچه اندکی مردد به نظر می رسند، اما در کل تمایل دارند که در کشور باقی بمانند، مشروط بر آنکه فرصت شغلی مناسب و درآمد ثابت برای شان فراهم گردد.

در مقابل، تنها 7 تن (معادل 8.6 درصد) گزینه (مطمئن نیستم) را انتخاب کرده اند که نشان دهنده تردید یا وابستگی تصمیم آنان به شرایط دیگر نیز می باشد.

تعداد افرادی که علیرغم وجود فرصت شغلی پایدار باز هم به مهاجرت فکر می کنند بسیار محدود بوده است. تنها 5 تن (معادل 6.2 درصد) گزینه (احتمالاً بلی) و فقط 1 تن (معادل 1.2 درصد) گزینه (قطعاً بلی) را انتخاب کرده اند. این تعداد اندک بیانگر آن است که در صورت ایجاد فرصت های مناسب کاری، انگیزه برای ترک کشور در میان اکثریت پاسخ دهندگان به شدت کاهش می یابد.

تحلیل: در این مورد سه نکته بسیار مهم است.

اول: کاهش چشمگیر تمایل به مهاجرت با فرض اشتغال پایدار: بیش از 83.9% پاسخ دهندگان (مجموع 44 نفر قطعاً خیر و 24 نفر احتمالاً خیر) اعلام کرده اند که در صورت وجود یک فرصت شغلی پایدار در قالب کسب و کار کوچک یا متوسط، دیگر به مهاجرت فکر نخواهند کرد.

این معلومات روشن‌ترین گواه بر نقش کلیدی و تعیین‌کننده فرصت‌های شغلی داخلی در کاهش مهاجرت است. همچنین، نشان می‌دهد که مهاجرت در اکثریت موارد نه یک انتخاب ترجیحی، بلکه ناشی از اجبار اقتصادی و نبود گزینه‌های معقول در داخل کشور است.

دوم: محدود بودن تمایل به مهاجرت در صورت اشتغال: تنها 6 نفر 7.4% از پاسخ‌دهندگان حتی در صورت وجود اشتغال پایدار نیز به فکر مهاجرت هستند. این گروه ممکن است تحت تأثیر عوامل غیرمستقیم از قبیل دلایل خانوادگی، فرهنگی، یا اهداف بلندمدت آموزشی یا شغلی خارج از کشور باشند.

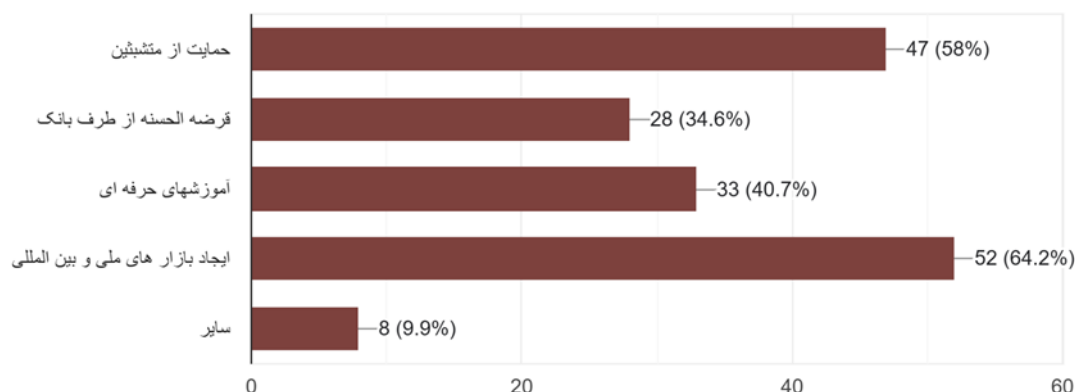
اما از نظر آماری، این درصد پایین اثبات می‌کند که مشکل اصلی جامعه نه در تمایل فرهنگی به مهاجرت، بلکه در ضعف فرصت‌های اقتصادی داخلی نهفته است.

سوم: وجود گروه مردد (مطمئن نیستیم - 8.6%) تعداد اندکی از پاسخ‌دهندگان هنوز در تصمیم‌گیری تردید دارند. این گروه را می‌توان به عنوان جمعیت هدف سیاست‌گذاری‌های حمایتی تلقی کرد. اگر دولت یا نهادهای بین‌المللی از طریق حمایت مالی، آموزشی یا زیرساختی از کسب‌وکارهای کوچک حمایت کنند، این گروه نیز به احتمال زیاد از تمایل به مهاجرت صرف‌نظر خواهند کرد.

سوال دهم:

به نظر شما چه حمایت‌هایی برای راه اندازی کار و بارهای کوچک و متوسط ضروری است؟

81 responses



در پاسخ به این پرسش که «به نظر شما چه حمایت‌هایی برای راه‌اندازی کار و بارهای کوچک و متوسط ضروری است؟» که در آن شرکت‌کنندگان می‌توانستند چندین گزینه را هم‌زمان انتخاب کنند، دیدگاه‌های متنوعی ارائه شده که نشان‌دهنده شناخت پاسخ‌دهندگان از نیازهای واقعی کارآفرینان و فعالان اقتصادی در کشور است. نتایج این پرسش به شرح زیر می‌باشد:

بیشترین تعداد پاسخ‌دهندگان، یعنی 52 تن (معادل 64.2 درصد)، گزینه (ایجاد بازارهای ملی و بین‌المللی) را انتخاب کرده‌اند. این آمار نشان‌دهنده آن است که اکثریت معتقدند بدون تضمین بازار فروش، حتی اگر کسب‌وکار راه‌اندازی شود، دوام و موفقیت آن با چالش جدی مواجه خواهد بود. در نتیجه، فراهم‌سازی دسترسی به بازارهای داخلی و صادراتی یکی از ضروری‌ترین حمایت‌ها به‌شمار می‌رود.

در مرتبه بعد، ۴۷ تن (معادل ۵۸ درصد) گزینه (حمایت از متشبثین) را برگزیده‌اند. این حمایت می‌تواند شامل مشوق‌های مالیاتی، کاهش بروکراسی، ارائه خدمات مشورتی و تسهیل در صدور جواز فعالیت باشد، که نقش مهمی در تقویت روحیه و توانمندی کارآفرینان دارد.

۳۳ تن دیگر (معادل ۴۰.۷ درصد) نیز بر (آموزش‌های حرفه‌ای) تأکید کرده‌اند. این پاسخ نشان می‌دهد که توسعه مهارت‌های فنی، مدیریتی و تجارتي برای موفقیت در کسب‌وکارهای کوچک و متوسط یک نیاز اساسی محسوب می‌شود، به‌ویژه در شرایطی که بسیاری از جوانان علاقه‌مند اما فاقد تجربه کافی هستند.

در ادامه، ۲۸ تن (معادل ۳۴.۶ درصد) گزینه (قرض‌الحسنه از طرف بانک‌ها) را انتخاب کرده‌اند. این پاسخ نشان‌دهنده‌ی نیاز جدی به منابع مالی در دسترس، با شرایط آسان و بدون سود یا با سود پایین برای شروع یا توسعه کسب‌وکارهای کوچک است.

در نهایت، ۸ تن از پاسخ‌دهندگان (معادل ۹.۹ درصد) گزینه (سایر) را انتخاب نموده‌اند که ممکن است شامل مواردی مانند کاهش تعرفه‌ها، حمایت‌های حقوقی، ایجاد زیرساخت‌های تولیدی یا مشوق‌های صادراتی باشد که در گزینه‌های اصلی گنجانده نشده‌اند.

تحلیل: با توجه به عنوان تحقیق و داده‌های ارائه‌شده، می‌توان تحلیل‌هایی انجام داد که به بررسی نقش کار و بارهای کوچک در کاهش مهاجرت افغان‌ها کمک کند. در اینجا، اطلاعات به‌طور مستقیم به حمایت‌های مورد نیاز برای راه‌اندازی کسب‌وکارهای کوچک و متوسط اشاره دارند و با توجه به ارتباط این حمایت‌ها با کاهش مهاجرت، تحلیل‌هایی انجام خواهیم داد.

اول: ارتباط بین حمایت‌ها و کاهش مهاجرت: با توجه به نتایج ارائه‌شده، هر یک از گزینه‌های حمایت می‌تواند نقش مهمی در کاهش مهاجرت ایفا کند. افراد در جستجوی راه‌هایی هستند که از طریق آن‌ها بتوانند کسب‌وکارهای خود را راه‌اندازی کرده و در کشور بمانند. حالا بیایید ارتباط این گزینه‌ها را با کاهش مهاجرت بررسی کنیم:

۱. ایجاد بازارهای ملی و بین‌المللی (۶۴.۲ درصد انتخاب‌کنندگان): ایجاد بازارهای فروش داخلی و صادراتی یکی از عوامل کلیدی در کاهش مهاجرت است. دسترسی به بازارهای گسترده داخلی و خارجی برای تولیدکنندگان کارآفرینان افغانستانی می‌تواند باعث کاهش نیاز به مهاجرت شود، زیرا افراد می‌توانند از طریق تجارت و صادرات کالاهای خود، درآمدی پایدار کسب کنند و از وضعیت اقتصادی خود در کشور راضی باشند، از منظر مهاجرت، دسترسی به بازارهای بزرگ‌تر می‌تواند اشتغال‌زایی و رشد اقتصادی محلی را تقویت کند، که به‌طور مستقیم با کاهش تمایل به مهاجرت ارتباط دارد.

۲. حمایت از متشبثین (۵۸ درصد انتخاب‌کنندگان): حمایت از کارآفرینان و متشبثین، از جمله مشوق‌های مالیاتی، کاهش بروکراسی، و تسهیل صدور جوازها، می‌تواند روحیه کارآفرینی را تقویت کرده و به افراد انگیزه دهد که کسب‌وکارهای خود را راه‌اندازی کنند و در کشور بمانند. تسهیل در فرآیندهای قانونی و مالی می‌تواند هزینه‌های راه‌اندازی کسب‌وکار را کاهش داده و از مشکلات اجرایی که ممکن است باعث ناامیدی و مهاجرت کارآفرینان شود، بکاهد.

3. آموزش‌های حرفه‌ای (40.7 درصد انتخاب‌کنندگان): آموزش‌های فنی و مدیریتی به افراد این امکان را می‌دهد که کسب‌وکارهای موفق‌تری راه‌اندازی کنند. بسیاری از جوانان افغان تمایل دارند که کسب‌وکار خود را آغاز کنند، اما به دلیل فقدان مهارت‌های فنی و مدیریتی نمی‌توانند در این راستا موفق شوند. فراهم‌سازی آموزش‌های حرفه‌ای می‌تواند از طریق تقویت توانمندی‌های فردی و اقتصادی، به کاهش مهاجرت کمک کند. وقتی افراد مهارت‌های لازم برای موفقیت در کسب‌وکار را داشته باشند، احتمال مهاجرت آن‌ها برای جستجوی فرصت‌های شغلی کاهش می‌یابد.

4. قرض الحسنه از طرف بانک‌ها (34.6 درصد انتخاب‌کنندگان): دسترسی به منابع مالی با شرایط آسان و سود کم برای راه‌اندازی کسب‌وکارها می‌تواند یک عامل مهم در کاهش مهاجرت باشد. بسیاری از افراد به دلیل کمبود منابع مالی برای سرمایه‌گذاری در کسب‌وکارهای کوچک و متوسط ممکن است به مهاجرت فکر کنند. فراهم کردن تسهیلات مالی به افراد کمک می‌کند که کسب‌وکارهای خود را راه‌اندازی کرده و در کشور بمانند.

5. سایر حمایت‌ها (9.9 درصد انتخاب‌کنندگان): دیگر گزینه‌ها مانند کاهش تعرفه‌ها، حمایت‌های حقوقی، ایجاد زیرساخت‌های تولیدی و مشوق‌های صادراتی نیز می‌توانند در کاهش مهاجرت موثر باشند. کاهش تعرفه‌ها و مشوق‌های صادراتی می‌تواند فرصت‌های تجاری جدیدی برای کسب‌وکارها ایجاد کرده و آن‌ها را در برابر رقبا توانمند سازد. حمایت‌های حقوقی به‌ویژه برای کارآفرینانی که به دنبال امنیت در فعالیت‌های اقتصادی خود هستند (چنانچه که مهمترین عامل برای جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی را اطاق‌های تجارت و صنایع افغانستان، امنیت را تلقی میکنند^۹)، می‌تواند به حفظ و رشد کسب‌وکارها در داخل کشور کمک کند.

دوم: پیشنهادات سیاستی برای کاهش مهاجرت: تقویت بازارهای داخلی و بین‌المللی: حمایت از صادرات و فراهم کردن بازارهای جدید برای محصولات داخلی می‌تواند به ایجاد اشتغال و جلوگیری از مهاجرت کمک کند.

1. حمایت مالی و قانونی از کارآفرینان: کاهش بروکراسی، تسهیل در صدور مجوزها و فراهم کردن منابع مالی با شرایط مناسب، می‌تواند روحیه کارآفرینی را تقویت کرده و از مهاجرت جلوگیری کند.

2. آموزش‌های تخصصی: برگزاری دوره‌های آموزشی برای کارآفرینان جوان و فارغ‌التحصیلان می‌تواند به کاهش مهارت‌های کم و افزایش شانس موفقیت کسب‌وکارهای کوچک و متوسط کمک کند.

مناقشه

مناقشه‌ها به پنج محور به شکل ذیل با توجه به آمارها و ارقام که در فوق دیده شده تنظیم گردیده است.

محور اول: تمرکز بر گروه‌های هدف برای سیاست‌گذاری (جوانان و فعالان اقتصادی): یافته‌ها نشان می‌دهند که اکثریت پاسخ‌دهندگان در سنین 18 تا 30 سال هستند و بیش از نیمی از آن‌ها درگیر کار و بارهای شخصی‌اند. این موضوع دلالت بر دو نکته دارد:

1. جوانان و کارآفرینان، اصلی‌ترین گروه‌های در معرض مهاجرت‌اند.

^۹. اتاق‌های تجارت و سرمایه‌گذاری افغانستان، سروی کار و بار در سال 2020م، منتشره سایت رسمی اتاق‌های تجارت و سرمایه‌گذاری افغانستان.

2. سیاست‌ها باید بر افزایش انگیزه ماندگاری این گروه‌ها از طریق فراهم‌سازی فرصت‌های شغلی تمرکز کند.

پس پیشنهاد میشود که: برنامه‌ریزی هدفمند برای جوانان از طریق آموزش‌های فنی، حمایت‌های مالی، و مشوق‌های قانونی برای راه‌اندازی کسب‌وکارهای کوچک.

محور دوم: تقویت ظرفیت‌های داخلی برای اشتغال پایدار: تحلیل‌ها نشان می‌دهند که بیش از 80٪ پاسخ‌دهندگان باور دارند توسعه کسب‌وکارهای کوچک در کاهش مهاجرت مؤثر است. کار و بارهای خرد و متوسط نقشی کلیدی در اشتغال‌زایی، کاهش فقر، و ماندگاری نیروی کار ایفا می‌کنند.

پس پیشنهاد مینماییم که: ایجاد ساختارهای حمایتی در سطح ملی (صندوق حمایت از کسب‌وکارهای کوچک، تسهیل جواز، کاهش مالیات، بازار فروش) و ترویج تولیدات داخلی در اولویت قرار داده شود.

محور سوم: خلای حمایت نهادی و اعتماد پایین به دولت و نهادهای بین‌المللی: یکی از مهم‌ترین یافته‌ها، ضعف حمایت‌های دولتی و بین‌المللی از کارآفرینان است. حدود 43٪ از پاسخ‌دهندگان عدم حمایت مؤثر را گزارش داده‌اند و نزدیک به 24٪ نظری ندارند که نشان از ضعف شفافیت دارد.

پیشنهاد مینماییم: راه‌اندازی برنامه‌های حمایت شفاف، اطلاع‌رسانی گسترده، تدوین قوانین تسهیل‌کننده برای سرمایه‌گذاری کوچک و متوسط، و تقویت هماهنگی بین نهادهای دولتی و بین‌المللی از مهمترین فعالیت در این زمینه محسوب میگردد.

محور چهارم: مهاجرت اقتصادی؛ پدیده‌ای ساختاری و قابل مدیریت: یافته‌ها نشان می‌دهند که دلایل اصلی مهاجرت، بیکاری، ناامیدی از آینده، و نبود امنیت اقتصادی است. این عوامل همه مستقیماً به فقدان فرصت‌های اقتصادی پایدار برمی‌گردند، نه به ترجیح فرهنگی برای ترک کشور.

پیشنهاد میشود که: سیاست‌های حمایتی اشتغال‌زا در سطوح محلی، فراهم‌سازی امنیت اقتصادی از طریق صندوق‌های تضمینی و بیمه کسب‌وکارهای کوچک افزایش یابد.

محور پنجم: اهمیت انگیزه‌سازی از طریق مشوق‌های ساختاری: تحلیل‌ها نشان می‌دهند که اگر اشتغال پایدار فراهم باشد، بیش از 80٪ افراد از مهاجرت صرف‌نظر می‌کنند. این یافته کلیدی نشان می‌دهد که مهاجرت بیشتر پاسخی به بحران اقتصادی است تا میل به ترک کشور.

پیشنهاد میگردد که: ایجاد سیستم‌های قرض‌الحسنه، آموزش‌های مهارتی رایگان، مشاوره کسب‌وکار، و ایجاد شبکه بازار داخلی/خارجی برای محصولات کسب‌وکارهای کوچک میتواند در این زمینه کمک نماید.

خلاصه پیشنهادات: از این پیشنهادات میتوان در ساختن یک پالیسی مشخص استفاده نمود که عناوین آن قرار ذیل است:

1. تمرکز باید بر جوانان و فعالان اقتصادی خرد به‌عنوان گروه هدف.
2. حمایت ساختاری از طریق تسهیلات مالی، آموزشی، بازاریابی و صدورمجوزها.
3. جلب اعتماد عمومی از طریق شفافیت نهادی و پاسخ‌گویی دولت.
4. مقابله با دلایل مهاجرت اقتصادی از طریق اشتغال پایدار.
5. انگیزه‌سازی برای ماندگاری در کشور با طراحی مشوق‌های ساختاری.

نتیجه‌گیری

با توجه به تحقیق فوق که مبتنی است بر نظریات پاسخ دهندگان، مهمترین نتایج حاصله تحقیق قرار ذیل عنوان می‌گردد:

1. این تحقیق با هدف بررسی نقش کسب و کارهای کوچک و متوسط در کاهش مهاجرت نیروی کار در افغانستان انجام شد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بین نرخ بیکاری و کمبود فرصت‌های شغلی در این بخش با افزایش مهاجرت، رابطه‌ای مستقیم و معنادار وجود دارد. به‌ویژه، نتایج حاکی از آن است که توسعه این نوع کسب و کارها می‌تواند به‌عنوان راهکاری مؤثر برای ایجاد اشتغال پایدار و کاهش انگیزه مهاجرت عمل کند.
2. تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از دو گروه مهاجران و غیرمهاجران نشان داد که افرادی که به فعالیت در کسب و کارهای کوچک و متوسط مشغول هستند، تمایل کمتری به ترک کشور دارند. همچنین، اکثر پاسخ‌دهندگان بر این باور بودند که حمایت از این بخش می‌تواند به کاهش فقر، افزایش تولیدات داخلی، و تقویت بخش خصوصی منجر شود. با این حال، چالش‌هایی مانند نبود دسترسی به منابع مالی، ضعف زیرساخت‌ها، و عدم حمایت کافی دولت و نهادهای بین‌المللی، مانع از رشد مطلوب این کسب و کارها شده است.
3. در نهایت، این تحقیق تأکید می‌کند که توسعه هدفمند کسب و کارهای کوچک و متوسط، همراه با حمایت‌های مالی، آموزشی، و بازار، می‌تواند به عنوان یک استراتژی کلیدی برای کاهش مهاجرت نیروی کار و حفظ سرمایه‌انسانی در افغانستان مورد توجه قرار گیرد. این امر نه تنها به بهبود شرایط اقتصادی کمک می‌کند، بلکه زمینه را برای ثبات اجتماعی و رشد پایدار فراهم می‌سازد.

پیشنهادهای

1. پیشنهاد می‌گردد که دولت و نهادهای ذی‌ربط با اولویت‌دهی به ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار، به‌ویژه برای جوانان و نیروی کار فعال، از روند روبه‌رشد مهاجرت جلوگیری نمایند. تمرکز بر توسعه و حمایت از کار و بارهای کوچک و متوسط می‌تواند نقش مهمی در جذب نیروهای کاری ایفا کند. در این راستا، تدوین سیاست‌های مشخص در زمینه اشتغال‌زایی، فراهم‌سازی تسهیلات مالی، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، و ایجاد زیرساخت‌های حمایتی از متشبهین و سکتور خصوصی، از جمله اقداماتی است که می‌تواند زمینه ماندگاری نیروی انسانی در کشور را تقویت کرده و از مهاجرت‌های اقتصادی بکاهد.
2. پیشنهاد می‌گردد که کار و بارهای کوچک به‌عنوان یکی از ارکان اصلی تقویت اقتصاد ملی و همگرایی اجتماعی، در محور سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و توسعه‌ای دولت قرار گیرد. با توجه به آمارها، این بخش می‌تواند نقش اساسی در کاهش مهاجرت ایفا کند، زیرا با ایجاد فرصت‌های شغلی در سطح محلی، زمینه‌های معیشت پایدار برای اقشار مختلف جامعه فراهم می‌شود. در صورت بی‌توجهی به این موضوع، خطر تضعیف اقتصاد عمومی و افزایش مهاجرت فزاینده افراد به‌منظور تأمین نیازهای ابتدایی زندگی وجود دارد. از این‌رو،

توسعه کار و بارهای کوچک باید به عنوان راهبردی کلان برای حفظ نیروی انسانی و جلوگیری از فرار سرمایه انسانی در اولویت قرار گیرد.

3. پیشنهاد می‌گردد که دولت و نهادهای مسئول با اتخاذ سیاست‌های فعال دیپلماسی اقتصادی و توسعه‌ای، زمینه جلب حمایت و کمک‌های مالی و فنی نهادهای بین‌المللی و سازمان‌های حمایت‌کننده را برای تمویل و راه‌اندازی کار و بارهای کوچک و متوسط در افغانستان فراهم سازند. همکاری با این نهادها می‌تواند منابع مالی لازم، تجربه‌های موفق بین‌المللی، و آموزش‌های تخصصی را در اختیار متشبهین داخلی قرار دهد و بدین وسیله نقش مؤثری در کاهش بیکاری، توانمندسازی اقتصادی مردم و جلوگیری از مهاجرت ایفا نماید. این همکاری‌ها باید در قالب برنامه‌های شفاف، نظارت‌پذیر و مبتنی بر نیازهای واقعی جامعه صورت گیرد تا تأثیرگذاری بلندمدت آن تضمین گردد.

4. پیشنهاد می‌گردد که برای کاهش روند مهاجرت و تشویق شهروندان به ماندن در کشور، ایجاد جذابیت‌های زندگی از جمله فراهم‌سازی شغل مناسب، تأمین اقتصاد پایدار و بهبود شرایط زیستی در اولویت سیاست‌های ملی قرار گیرد. تأمین این الزامات نیازمند همکاری گسترده میان دولت، بخش خصوصی، نهادهای ملی و خود مردم است تا به سبب همگرایی و مسئولیت‌پذیری جمعی، زمینه مناسبی برای امید به آینده، ثبات اجتماعی و رضایت از زندگی در داخل کشور فراهم گردد. توجه به این امر می‌تواند یکی از مؤثرترین راهکارهای جلوگیری از مهاجرت و حفظ سرمایه انسانی در افغانستان باشد.

5. پیشنهاد می‌گردد که برای تشویق و توانمندسازی کارآفرینان در بخش کار و بارهای کوچک و متوسط، اقدامات عملی و هدفمند از سوی دولت و نهادهای ذی‌ربط روی دست گرفته شود. این اقدامات می‌تواند شامل ایجاد بازارهای فروش داخلی و بین‌المللی، برگزاری نمایشگاه‌های تجارتي، ارائه معافیت‌های مالیاتی، تسهیل روند اعطای جواز فعالیت، حمایت مؤثر از اتحادیه‌های صنفی مرتبط، و فراهم‌سازی آموزش‌های تخصصی در حوزه‌های مدیریتی، مالی و بازاریابی باشد. چنین حمایت‌هایی سبب رشد پایدار کارآفرینی، تقویت اقتصاد محلی، ایجاد فرصت‌های شغلی و در نهایت کاهش انگیزه برای مهاجرت خواهد شد.

منابع

1. گلرد، پروانه، پرتو افکنان مصطفی، نقش دولت در حمایت از کسب و کارهای کوچک و متوسط، فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه گذاری سال نهم/ شماره سی و پنجم/ پائیز 1399 ه.ش.
2. ایماق، روح الله، عوامل مؤثر بر توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط در افغانستان، موسسه مطالعات اقتصادی و حقوقی افغانستان، کابل-افغانستان، 23 ثور 1403 ه.ش.
3. شاه آبادی، ابوالفضل، بنیادی، هدا، تأثیر کار آفرینی بر مهاجرت نخبگان در کشور های منتخب منطقه منا، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره 102، بهار 1401.

4. عیسی زاده، سعید، عباسیان، عزت الله، نوری، احمد ضیا، تاثیر مهاجرت بر آموزش و مهارتهای نیروی کار افغانستان: مطالعه موردی مهاجران بازگشته از ایران، فصلنامه علمی پژوهشهای اقتصادی ایران/ سال بیست و پنجم/ شماره 85 / زمستان 1399.
5. اتاق های تجارت و سرمایه گذاری افغانستان، سروی کار و بار در سال 2020م، کابل- افغانستان تابستان 1399 ه.ش.
6. اسماعیلی رنجبر، شیلا ، اسماعیلی رنجبر، لعیلا ، مروری بر عوامل موثر بر شکست کسب و کارهای کوچک، یازدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی، تهران، 25 اسفند 1401 ه.ش.
7. طبیبی، سید کمیل، عماد زاده، مصطفی، رستمی حصوری، هاجر، اثر فرار مغزها بر رشد اقتصادی کشورهاي در حال توسعه، فصلنامه علمی پژوهشی، پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی، سال اول، شماره دوم، بهار 1390.
8. پلتفورم گوگل فورم.
9. پلتفورم SPSS.
10. سایت های اینترنتی.